

تحلیل بینامتنی نماد در ادبیات پایداری و مقایسه آن با ادبیات کلاسیک
(مطالعه موردی: سلمان هراتی، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، سیدحسن حسینی، نصرالله
مردانی و سپیده کاشانی)

اسما رجائی^۱، هوشمند اسفندیارپور^{۲*}، صدیقه علیپور^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۱۵۹-۱۳۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7428>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ماهیت و جایگاه بینامتنیت در نمادپردازی بجهت ترسیم درونمایه و منظومه عقیدتی و فکری هنرمندان و شاعران دفاع مقدس نکته‌ای است که در پژوهش‌های علمی ضرورت پرداختن به آن احساس میشود. هدف اصلی پژوهش پیش‌رو آن است تا با توجه به ماهیت تصویر خیال‌انگیز نماد که هم ناظر بر وجوه معنایی است، هم از جهت زیبایی‌شناسی بنیادهای فکری و هنری شعر دفاع مقدس را تقویت مینماید، به بحث و بررسی پیرامون تأثیرپذیری شاعران دفاع مقدس از نمادهای موجود در ادبیات کلاسیک ایران بپردازیم.

روش پژوهش: این پژوهش بشیوه توصیفی تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی و مراجعه به منابع معتبر و پایگاه‌های علمی مجازی صورت گرفته است. در این جستار از میان اشعار هریک از شاعران دفاع مقدس شامل سلمان هراتی، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، سیدحسن حسینی، نصرالله مردانی و سپیده کاشانی تعداد ۵۰ مورد انتخاب شده و نتایج بصورت آماری ارائه گردیده است. **یافته‌های پژوهش:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در ادبیات دفاع مقدس بویژه در شعر منتخب شاعران یاد شده نمادهای قابل توجهی از طبیعت، اساطیر و نمادهای آیینی و مذهبی با تأثیرپذیری از نمادهای موجود در سنت شعر فارسی، بکار رفته است.

نتایج پژوهش: از نتایج این پژوهش مشخص میشود که نمادپردازی در شعر دفاع مقدس بدلیل رسالتی که نمادسازی در مفهوم‌سازی و وحدت‌بخشی و ایجاد انسجام ساختاری در شعر این دوران دارد، حائز اهمیت بسیاری است. گره‌خوردگی و پیوند تصاویر نمادین با متن در این اشعار بگونه‌ای است خواننده با دانش قبلی و فراخواندن پیش اطلاعات گذشته ادبی خویش میتواند بفهم معانی باطنی اشعار راه یابد. در میان تصاویر مذهبی، بیشترین کارکرد با واقعه تاریخی عاشورا و حوادث آن و توجه به قیام امام حسین (ع) است. در خصوص بهره‌گیری از اساطیر ملی توجه بیشتر شاعران به شاهنامه و اساطیری چون رستم، اسفندیار، کاوه، فریدون و دژخیمانی چون ضحاک است و از میان اساطیر طبیعی توجه به شب، گل لاله و شقایق، رود و نسیم بیشتر از سایر موارد است.

تاریخ دریافت: ۰۸ مهر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۵ آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۹ دی ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

بینامتنیت، شعر دفاع مقدس، شعر کلاسیک، نمادپردازی.

* نویسنده مسئول:

esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir

۳۳۵۲۱۹۰۰ (۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Intertextual analysis of the symbol in sustainability literature and its comparison with classical literature (Case study: Salman Herati, Qaisr aminpour, Alireza Qazwah, Seyed Hasan Hosseini, Nasrullah Mardani and Sepideh Kashani)

A. Rajaei¹, H. Esfandiarpour*¹, S. Alipour²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Shahid Bahonar Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 September 2023
Reviewed: 01 November 2023
Revised: 16 November 2023
Accepted: 30 December 2023

KEYWORDS

Intertextuality, The poem of holy Defense, Classic poetry, Symbolization.

*Corresponding Author

✉ esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir

☎ (+98 34) 33521900

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The nature and place of intertextuality in symbolization in order to draw the theme and the ideological and intellectual system of the artists and poets of the holy defense is a point that needs to be addressed in scientific research. The main goal of the upcoming research is to discuss and examine the influence of the poets of the holy defense on the symbols in Let's talk about classical Iranian literature.

METHODOLOGY: This research has been carried out in a descriptive-analytical way based on library studies and document analysis and referring to reliable sources and virtual scientific databases. In this research, 50 poems were selected from the poems of each of the holy defense poets, including Salman Herati, Qaisraminpour, Alireza Qazwah, Seyed Hassan Hosseini, Nasrullah Mardani, and Sepideh Kashani, and the results were presented statistically.

FINDINGS: The findings of the research indicate that in the sacred defense literature, especially in the selected poems of the mentioned poets, significant symbols of nature, mythology and ritual and religious symbols have been used with influence from the symbols in the Persian poetry tradition.

CONCLUSION: From the results of this research, it is clear that symbolism in the poem of Holy Defense is very important because of the mission that symbolism has in conceptualizing and unifying and creating structural coherence in the poetry of this era. Previous knowledge and recalling the previous information of one's literary past can help one to understand the inner meanings of the poems. Among the religious images, the most functional is with the historical event of Ashura and its incidents and attention to the uprising of Imam Hussain. Regarding the use of national mythology, poets pay more attention to Shahnameh and mythologies such as Rostam, Esfandiar, Kaveh, Fereydon and Zahhak, and among natural myths, attention is paid to the night, tulips and anemones, river and breeze more than other.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7428>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 46	 0	 4

مقدمه

نماد از جمله اصطلاحاتی است که در عرصه‌های مختلف از عرفان و تصوف تا اسطوره‌شناسی و پدیدارشناسی دینی کاربرد دارد و همین حیطة فراگیر و عام، ارائه تعریفی جامع و مانع از آن را دشوار میسازد. «نماد بعنوان چیزی تعریف میشود که بجای چیز دیگری قرار گرفته باشد. عبارت دیگر، چیزی است که معنای خود را بدهد و جانشین چیزی دیگری نیز بشود. نماد، کلمه، ترکیب یا عبارتی است که بر معنا و مفهومی غیر از آنچه در ظاهر بنظر میرسد دلالت کند و بخاطر مفاهیم متعددی که در خود پنهان دارد، دستیابی بمعنای دقیق آن ممکن نباشد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: صص ۵۴۳-۵۴۴). دهخدا بنقل از آندراج معنای نماد را نشانه‌ای «ظاهرکننده» دانسته است (۱۳۷۲: ذیل واژه). چدویک^۱ در توصیف نمادپردازی گفته است: «نمادپردازی را میتوان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم و نه بوسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف بتصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره بچگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (۱۳۷۸: ص ۹). در فرهنگ واژگان و اصطلاحات ادبی، «نماد» همراه با رمز و مظهر، بعنوان معادل‌هایی برای واژه «سمبول» شناخته شده‌اند (ر.ک حسینی، ۱۳۶۹: ص ۳۹). در ادبیات معاصر ظهور و بروز علل و عوامل گوناگون از جمله رواج مکتب سمبولیسم در اروپا از میانه قرن نوزدهم به بعد، توجه به نمادپردازی را افزونتر کرد تا جایی که امروزه نماد را میتوان یکی از عناصر اصلی شعر معاصر بحساب آورد. نیما و شاعران پس از وی تلاش نمودند تا ساده‌گویی و ساده‌اندیشی را که موجب ملال و دلزدگی مخاطب میشد، بسویی نهند و به سخن نمادین روی آورند تا حوزه‌های مفهومی بیشتری را فراروی مخاطب و خوانندگان تداعی نمایند. در پی توجه به این مسأله انواع نماد در شعر معاصر بار دیگر در قالب نمادپردازیهای اساطیری، عرفانی و یا سمبولیسم شخصی که حاصل ابداعات و نوآوریهای شاعران و هنرمندان بود، رواج یافت. نمادها به زمان خاصی وابسته نیستند و در هر نوع و قالب ادبی در هر زمان و دوره‌ای با تأثیر پذیرش از شرایط و بر مبنای نیازهای هویتی و فرهنگی جامعه، بازآفرینی میشوند. باززایی نمادها بسته به نوع نگرش هنرمند و تأثیرپذیری از اوضاع اجتماعی، رخدادها و حوادث گوناگون بسیاری از مفاهیم را بساحت امروز میکشاند و رابطه و پیوند ملموسی بین این نمادها با فضای تازه خلق مینماید. هدف از بازتولید نمادها در بستر جدید ایجاد زمینه‌های تعمق و تفکر در خصوص دغدغه‌های شاعر و هنرمند است تا بتواند اهداف خویش را بنمایش بگذارد و با ایجاد بستر تجربه‌های ملموس و عینی ذهن انسان را به چالش و تفکر وادار نماید؛ رشته‌های این پیوند تا ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز کشیده شد؛ گرچه نمادهای موجود در شعر دفاع مقدس، گاه سیما و سیرتی متمایز از پیشینه غنی ادبیات کلاسیک ایران یافتند اما پیوند این ارتباط قطع نشد و در آینه ادبیات جنگ و دفاع مقدس نیز نمادهایی متناسب با اوضاع و شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی ایران ارائه گردید که درک و دریافت آنها گرچه از بافت و اقتضای شرایط ایران در دوران جنگ و پس از آن نشأت میگرفت، اما سبب انتقال میراث فکری و فرهنگی گذشته ادبی ایران به نسل جدید میشد. در پژوهش حاضر تلاش نموده‌ایم به بحث و بررسی پیرامون بازآفرینی مضامین نمادین در شعر دفاع مقدس با تکیه بر اشعار سلمان هراتی، قیصرامین پور، علیرضا قزوه، سیدحسن حسینی، نصرالله مردانی و سپیده کاشانی و نگاهی مبتنی بر آراء نظری ژرار ژنت بپردازیم. از این رو نوشته حاضر، پژوهشی است علمی و روشمند جهت دست یافتن به پاسخ پرسشهای زیر: شعر دفاع مقدس در

1. chadwick

2. symbole

بازتولید تصاویر نمادین از کدام عناصر بیشتر بهره گرفته است؟ اثرپذیری این شاعران از نمادهای ادبیات کلاسیک تا چه اندازه و چه صورت بوده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

گسست مطالعاتی پیرامون مباحث نقد ادبی معاصر و ادبیات دفاع مقدّس سبب شد تا پژوهشی بر مبنای بینامتنیت در نمادسازی شعر دفاع مقدّس بعنوان متن پیش‌رو صورت بگیرد و انتظار میرود که در خاتمه میزان تأثیرپذیری شاعران برجسته دفاع مقدّس از عناصر نمادین ادبیات کلاسیک ایران مشخص و تبیین شود.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و واکاوی پیوند عناصر نمادین ادبیات کلاسیک ایران در نمادسازی شاعران دفاع مقدّس و ادبیات پایداری با تکیه بر مهمترین رویکردهای نمادین یعنی نمادسازی اساطیری و نمادسازی عرفانی و مذهبی میباشد. نکته حائز اهمیت آنکه شاعران عرصه ادبیات انقلاب اسلامی در راستای تقویت و حفظ هویت فرهنگی، دینی، آیینی و میهنی ملت ایران از تصاویر نمادین بهره گرفته‌اند تا بکمک این شیوه از یکسو به پاسداشت این عناصر بپردازند و از سوی دیگر به تفهیم ارزشها اقدام نمایند؛ از این رو با توجه به اهمیت و جایگاهی که نمادپردازی در شعر دفاع مقدّس بر عهده دارد، پرداختن به موضوع جستار حاضر هدف قرار گرفته است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله بشیوه آماری و سیستماتیک میباشد. بمنظور بدست آوردن نتایج دقیق و تحلیل جامع، از هر یک از اشعار شاعران مورد بررسی یعنی سلمان هراتی، قیصرامین‌پور، علیرضا قزوه، سید حسن حسینی، نصرالله مردانی و سپیده کاشانی ۵۰ نمونه انتخاب گردیده و تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

بدلیل اهمیت و جایگاه نماد در آثار ادبی، گزاره نیست اگر بگوییم صدها مقاله و تعداد بسیار زیادی کتاب در ایران و نیز در مجامع و محافل علوم انسانی در مغرب زمین در خصوص نماد، انواع آن و کارکردهای این عنصر تصویرساز تاکنون برشته تحریر درآمده است که پرداختن به تمامی آنها مجال فراتر میطلبد. تحقیقات ارزنده‌ای نیز در زمینه ادبیات پایداری و دفاع مقدّس انجام شده است از جمله کتابهایی مانند «فرهنگ جبهه»، از فهیمی، «ادبیات دفاع مقدّس» و «نقد و تحلیل ادبیات منظوم و دفاع مقدّس از سنگری که به بررسی و تحلیل شاخصه‌های زبانی و فکری این اشعار و از جمله شگردهای نمادپردازی در برخی از این اشعار توجه نموده‌اند. کاکایی در کتاب «آوازه‌های نسل سرخ»، کافی در کتاب «دستی بر آتش» مکارمی‌نیا در کتاب «بررسی شعر دفاع مقدّس» بتحلیل و واکاوی ساختار ظاهری و محتوایی شعر دفاع مقدّس از جمله صورخیال در این حیطه پرداخته‌اند. رزمجو در کتاب «سیری در خون‌نامه خاک» با معرفی برخی از عناصر اساطیری و حماسی شعر دفاع مقدّس گریزی به ساختار بلاغی و زیبایی‌شناسی شعر این حوزه از جمله نمادپردازی نیز داشته است. اولیایی در کتاب «تذکره شعرای انقلاب اسلامی» اشاراتی به شیوه و سبک ادبی شاعران دفاع مقدّس دارد. با توجه به بررسیهای بعمل آمده تحقیقات صورت گرفته در زمینه ادبیات پایداری و دفاع مقدّس بیشتر پیرامون

ماهیت و چیستی این نوع ادبی، بررسی تطبیقی ادبیات پایداری ایران و سایر ملل، تحلیل صورخیال در ادبیات پایداری و دفاع مقدس و مطالعاتی از این قبیل است اما تاکنون در خصوص تحلیل و واکاوی نمادپردازی در ادبیات دفاع مقدس و با ادبیات کلاسیک ایران پژوهش جامع و مستقلی منتشر نشده است. این پژوهش میتواند ضمن پر کردن خلاء تحقیقاتی موجود، به ترسیم الگوی فکری، جهانبینی و زیبایی‌شناسانه این شاعران کمک نماید.

چارچوب نظری بحث

شعر دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی به تمام آثار منظوم و منثوری گفته میشود که در طول دوران انقلاب اسلامی بوجود آمد و از نظر باورهای فکری و ایدئولوژیک برگرفته از جریان مبارزاتی مردم در انقلاب اسلامی و پیروزی مردم علیه رژیم طاغوت بود که با شروع جنگ تحمیلی رنگ و بویی دیگر بخود گرفت. با شروع جنگ تحمیلی، تمامیت ارضی کشور بخطر افتاد و ایجاد همبستگی ملی در کنار دفاع از ارزشها در کانون توجه هنرمندان قرار گرفت و از این جهت پاسداشت ارزشها و هویت ملی مهمترین رویکردی بود که هنرمندان عرصه انقلاب و ادبیات دفاع مقدس با جدیت تمام آن را مطمح نظر خویش قرار دادند؛ از این رو آثار و سروده‌هایی خلق شد که درونمایه و موضوع اصلی آن حفظ عزت، سرافرازی، پاسداشت ارزشها و دفاع از آب و خاک است. «شعر دفاع مقدس در پی آن است تا پایداری مردم ایران را که برخاسته از ارزشهای اعتقادی آنان است بتصویر بکشد» (حسینی، ۱۳۸۱: ص ۹). ادبیات پایداری عبارت است «از آثاری که که تحت شرایطی چون جنگ، غارت سرزمینان توسط بیگانگان و... شکل میگیرد» (سنگری، ۱۳۸۹: ص ۹۱). این دسته از اشعار با ماهیت شهادت‌طلبی، وطن، اعتراض به تجاوز دشمن، دفاع از اعتقادات و ارزشهای مذهبی با زیرساخت نمادگرایی آرمانگرایی اساطیری، مذهبی و عرفانی پدید آمد. و شعر را وسیله‌ای برای حفظ این ارزشها قرار داد. شعر دفاع محصول اندیشه‌ها و رویکردهای سیاسی اجتماعی زمانه و عصر شاعر است؛ بنابراین برآمده از آرمانها و ارزشهای حاکم بر آن دوره‌اند که شاعر به آنها اعتقاد دارد و در راه این اعتقاد نیز مبارزه میکند. شاعران، نمادهای مختلفی از ادبیات اساطیری، مذهبی، آیینی و عرفانی گذشته ایران را در شعر این دوره احیا نمودند و رکن اساسی شعر خویش قرار دادند، این شاعران در راستای تعهد خویش در سراسر اشعارشان، مخاطب را به این مهم متوجه ساختند که باید از اسوه‌های اساطیری، مذهبی و عرفانی گذشته سرمشق بگیرند و به آنها اقتدا کنند تا بتوانند بکمک این الگوهای نمادین، الگوی عقیدتی و مبارزاتی خویش را بیان کنند.

تعریف نماد

اصطلاح نماد بعنوان اسم عام مفهوم وسیعی دارد؛ آنچنان که میتوان از آن جهت توصیف هر شیوه بیانی که بجای اشاره مستقیم بموضوعی، آن را غیرمستقیم بواسطه موضوعی دیگر بیان میکند، استفاده کرد. نمادگونه‌ای از استعاره است با این تفاوت که «در استعاره تنها یک مشبه مستعارله وجود دارد و با حذف مشبهبه مستعارمنه بعنوان استعاره باقی میماند. حال آنکه در نماد بیش از یک مشبه و گاه مشبه‌های متعدد در میان است که با حذف آنها نماد پدید می‌آید؛ بنابراین در نماد از توان معنایی و مفهومی لفظ بسی بیش از استعاره بهره‌گیری میشود» (حمیدیان، ۱۳۸۱: ص ۱۴۲). در فرهنگ واژگان و اصطلاحات ادبی، واژه نماد همراه با رمز و مظهر بعنوان معادل‌های سمبل ذکر شده‌اند» (همان). در تفکر غربی، نمادپردازی با ایده‌ها و نظریات شارل بودلر در هنر و ادبیات و در اندیشه‌های یونگ و فروید در مکتب روانشناسی تحلیلی مطرح گردید. ارنست کاسیرر از نظریه‌پردازان برجسته

نمادپردازی در ادبیات غرب است که به مسأله اصالت نماد توجه نمود؛ از دیدگاه کاسیرر حیات نمادین آدمی محصول تکامل انسان و زبان است (۱۳۶۰: ص ۴۱). مالارمه از دیگر نظریه‌پردازان نمادپردازی معتقد است بیان صریح یک موضوع لذت نهفته در شعر را تباه مینماید و نتیجه میگیرد که «نمادپردازی عبارت است از کاربست کامل این روند اسرارآمیز» (ر.ک چدویک، ۱۳۷۸: ص ۱۰).

نماد و کارکردهای بینامتنی آن در شعر شاعران دفاع مقدس

بینامتنیت بعنوان یک نوع نگرش ادبی، درصد کشف پیوند و ارتباط متون ادبی است. این نظریه ریشه در جریانهای فکری در دهه‌های ۱۹۶۰ م و ۱۹۷۰ م دارد؛ جریان پساساختارگرایی، فرمالیسم، ساختارگرایی و رویکردهای زبان‌شناسی‌شناختی بیشترین نقش را در پیدایی این نظریه داشتند. پس از مطرح ساختن این نظریه توسط ژولیا کریستوا، ژنت نظریات او را دنبال کرد و درباره نظریه ترامتنیت خود نوشت: «هر چیزی که پنهانی یا آشکارا یک متن را در ارتباط با دیگر متنها قرار میدهد» رویکردی بینامتنی را سبب میشود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ب: ص ۲۱). نماد بعنوان یکی از عناصر بلاغی است که بار معنایی زیادی را در اثر هنری بدوش میکشد، چرا که از یک سو مستقیماً به بیان مقصود موردنظر شاعر اقدام نمینماید، از سوی دیگر پیچیدگیهای استعاره را ندارد و در عین حال میتواند بار معنایی گفتارهایی از گذشته را بدرون خویش بکشانند و منتقل نماید. بواسطه همین ماهیت نماد است که میتوان آن را در حوزه مباحث بینامتنیت ارزیابی و تحلیل نمود.

برای نخستین بار «ژولیا کریستوا» مفهوم بینامتنیت را بر اساس منطق مکالمه باختین ارائه نمود. «کریستوا، بینامتنیت را اصطلاحی حاکی از سرشت مکالمه‌ای زبان میدانست. بعقیده او متن ادبی دیگر نه یک بافت یکتا، بلکه حاصل مجموعه‌ای از رمزگان، سخنان و متنهای از پیش موجود انگاشته میشود. از این نظر هر کلامی در یک متن ادبی، منشی بینامتنی دارد و باید نه تنها برحسب معنایی که گمان میشود در خودش وجود دارد؛ همچنین برحسب معنایی خواننده شود که از خود متن فراتر رفته بعرضه مجموعه‌ای از گفتمانهای فرهنگی وارد میشود» (آلن، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹). از دیدگاه بینامتنیت هر متن برگرفته از ساخته‌های عینی یا ذهنی متون دیگر است و متون برداشتی غیرمستقیم یا مستقیم از فرهنگ، ادبیات و آثار پیشینیان است. «پس هنرمندان کمابیش تحت‌تأثیر آثار یکدیگرند و هر متن را یک بینامتن توصیف میکند و متون حال و گذشته با هم گفتگو و تعامل دارند» (احمدی، ۱۳۸۰: ص ۳۲۷). از این رو هر متن را میتوان حلقه‌ای از زنجیره بینامتنی دانست که عناصری از دیگر متون را در خود جای داده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ص ۶۸). از دیدگاه بینامتنی هر اثر اعم از شعر یا نثر دارای دو محور اصلی و اساسی است؛ محور افقی و محور عمودی. محور افقی در حقیقت پیوند و ارتباطی است میان خواننده و نویسنده متن و محور عمودی متن را به متن دیگر مرتبط میسازد و تا اندازه‌ای ادراک آن منوط به فهم اطلاعات قبل است (ر.ک چندلر، ۱۳۸۷: ص ۲۸۴).

از دیدگاه ژرژ ژنت اشارات تلمیحی و ضمنی از جمله نمادپردازی در ردیف بینامتنیت قرار دارد (ر.ک نامور مطلق، ۱۳۸۶: ص ۸۳). بینامتنیت از دو طریق در متون ظاهر میشود نخست پوشیده و دوم ضمنی (ساسانی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۹). نماد از جمله اشارات آشکار بینامتنی محسوب میشود. بینامتنیت از این منظر، زمینه دریافت مخاطب از متن را فراهم میکند. نماد بدلیل ماهیت و نقش تفسیری آن در فهم متن و نشان دادن جهت فکری هنرمند در قالب عبارات نمادین کارکردهای چندگانه‌ای می‌یابد از جمله ایجاد تازگی، نوسازی، تصویر، انتقال وسیع معنا در

۱. Intertextuality

بافت ساختاری و زبانی موجز، ایجاد پیوستاری بین مفاهیم زمان گذشته با اثر، القای حس زیبایی شناختی در متن از رهگذر فشرده‌گویی و ایجاز، معنی‌آفرینی، تداعی معنی، بارنمایی اندیشه و جهان‌بینی هنرمند، توجه به نوع نگرش حاکم بر یک اثر (ر.ک شمیسا، ۱۳۹۹: ص ۲۶۶). چند عامل مهم را میتوان بعنوان مؤلفه‌ها و گزاره‌های مؤثر در کاربرد بینامتنی نماد در شعر دفاع مقدس حائز اهمیت است دانست: مورد نخست بهره‌گیری از نمادپردازی در راستای اهداف ارزشی و آرمانگرایی. روشن است که نگاه ارزشی شاعران شعر دفاع مقدس سبب میشد که هنرمندان این عرصه در کنار فضای معنوی جنگ به ارزشها و آرمانهای مذهبی و دفاع از هویت ملی و وطن توجه نمایند. فضای معنوی جنگ و جبهه در کنار توجه به ارزشهای دینی، قرآنی و مذهبی در طرز تلقی شاعران دفاع مقدس بسیار تأثیرگذار بود و سبب گسترش و بسط فرهنگ و منش شیعی و اسلامی میشد. لذا رسالت بزرگ ادبیات انقلاب اسلامی و بویژه شعر دفاع مقدس توجه به باورهای سنتی، آیینهای مذهب و ارزشها بود. دوم توجه به مفاهیم عرفانی چون توکل، یقین، وصال، عشق به خالق هستی، قرب، معراج و... شعر دفاع مقدس تجلی روشنی از عشق، حماسه و عرفان بود و جمع این مفاهیم، علاوه بر ایجاد نمادهای بلاغی سبب انتقال معانی بسیاری میشد. «پیدایش انقلاب اسلامی، بازگشت جدی به سنت را در پی داشت. این بازگشت در صحنه شعر نیز اتفاق افتاد. در عرصه محتوا حتی در پیشروترین شعرهای آزاد دفاع مقدس، مثل شعرهای سلمان هراتی و... حجم متراکمی از میراث معنوی که در شعر معاصر متروک و سرانجام مطرود بود، با شتاب در حال بازگو شدن بودند [چنانکه] گویی شعر معاصر نزد این نسل شاعران، دارد به آب توبه شستشو داده میشود. آرایه‌های ادبی شاید در شعر دفاع مقدس، مهمترین محمل برای این توبه ادبی بشمار می‌آید، بطوری که در بسیاری از شعرها از حدّ یک کاربرد و آرایه برای تزیین کلام فرارفته و در ساختار شعر نقش بازی کرده است» (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۳۴۱). از این رو بازآفرینی نمادهای اساطیری، عرفانی و... در دوران جنگ با التفات به ادبیات کلاسیک احساس میشد و شاعران این عرصه میراثهای گذشته را در راستای احیای مبانی اندیشه‌های انقلاب اسلامی بکار بردند و از طریق زبان نمادین به بازخوانی این حوادث و رخدادها پرداختند «تا خواننده شعر با تأویل آن‌ها علاوه بر کشف بار معنایی جدید، احساس لذت هنری نماید: چون ماهیت بینامتنی اسطوره‌ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک آنها از امکانات تأویل‌گرایانه ارزشمندی برحسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی در مقابل شاعر و خواننده قرار میدهد و زمینه را برای برداشت تأویلی جدید و تازه مهیا میسازد» (همان).

تحلیل داده‌ها

شگردهای انعکاس بینامتنی نمادها در شعر شاعران برجسته دفاع مقدس

نمادهای ادبیات پایداری و دفاع مقدس بدلیل ماهیت معنوی و روح حماسی که بر این قبیل آثار، سروده‌ها و نوشته‌ها سیطره دارد تفاوت ماهوی چندانی با نمادهای ادبیات کلاسیک ایران ندارد چرا که زمینه پیدایی ادبیات دفاع مقدس و بویژه آثار شعری و منظوم در این دوران بیشتر حول دو محور تهییج رزمندگان (مخاطبان) و زنده ساختن روحیه حماسی آنان و تقویت بنمایه‌های معنوی، ارزشی، عرفانی و آیینی بکمک این سروده‌هاست؛ از این رو در خلق نمادهای شعر دفاع مقدس اصولاً دشواری یا دیربایی خاصی در نمادها چندان چشمگیر نیست و این نوع از ادبیات برخلاف سایر سروده‌های ادبیات معاصر که بدنبال ابهام‌آفرینی در مسیر ادراک و فهم مخاطب است، بصورت روانتر و راحت‌تری به خلق نمادهای آشنا و بهره‌گیری از سنن ادبی گذشته میپردازد. شاعر دفاع مقدس از نماد جهت ابهام‌آفرینی و عشق‌بخشی بکلام خویش بهره نمیگیرد بلکه هدف وی آن است که عمق شعر را از طریق

معنای نمادهای عمومی در کنار مفاهیم والا و دیگر صورخیال مورد تأکید و توجه قرار دهد؛ چنانکه هر فارسی‌زبانی که اندکی با ادب و شعر ارتباط داشته باشد این نمادها را بدلیل تکرارشان در پیشینه تاریخی و فرهنگی ادب فارسی بسهولت در می‌یابد و گاه حتی خود در مناسبات روزمره از آنها بهره می‌جوید چرا که شاعر دفاع مقدس بیش از هر چیز بسته به نوع جهانبینی خود که خاص اندیشه و تفکر سیاسی اجتماعی او نسبت به جهان هستی و محیط پیرامون، این نمادها را بکار می‌گیرد. «نمادها در همهٔ زمانها ثابت‌اند، آنچه مشخص است این است که دیدگاه جمعی و اجتماع در برابر لایه‌های معنایی آنها تغییر می‌کند» (پورنامداریان و خسروی شکیب، ۱۳۸۷: ص ۱۵۲).

بینامتنیت نمادهای اساطیری با تأکید بر شاهنامه

وقوع جنگ تحمیلی و رویارویی ملت مسلمان ایران با دشمن بعثی متجاوز سبب شعله‌ور شدن هیجان ملی و وطنی در تمامی سطوح جامعهٔ ایران گردید؛ این فضای اساطیری و حماسی بستری مناسب جهت احیا و زنده ساختن نمادهای کهن اساطیری بود. دفاع از هویت ملی و سرزمین ایران یکی از اصلیتیرین دلایلی است که فردوسی را به سرودن حماسهٔ سترگ شاهنامه واداشت و پس از آن در شرایط بحرانی و حساس دیگر که ملت ایران، تمامیت ارضی آب و خاک خویش را در خطر میدیدند نمادهای اساطیری و حماسی در شعر و ادب این سرزمین بار دیگر قد علم مینمود تا ماهیت فرهنگی و میهنی از دست رفته یا در معرض خطر را بار دیگر احیا نماید. «در واقع جاودانگی فرهنگی و میهنی ایران در آن است که از دوران باستان تاکنون هویت خویش را حفظ نموده است. هیچ سرزمین و مردمی دیگر در جهان بمانند ملت ایران دغدغه و چالش دفاع از وطن را چنان که در شاهنامه بازتاب یافته است نداشته‌اند. از این رو شاهنامه حماسه ملی ایران، دفاع نامهٔ سترگ تاریخ [بشریت] بشمار میرود» (سنگری، ۱۳۸۹: صص ۲۲-۲۳). آنگونه که از شاهنامه استنباط میشود ملت ایران همواره ملتی صلحدوست بوده‌اند؛ چنانکه فردوسی صلح، آشتی و مدارا با دیگران را در شاهنامه گوشزد میکند:

کسانی که با تو نجویند جنگ بر ایشان مکن روز تاریک و تنگ
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۲/۲۳۳)
نگر تا نیازی به بیداد دست نگردانی ایوان آباد پست
(همان: ۳/۱۱۰)

در شعر دفاع مقدس و ادبیات پایداری شاعر به این نکته واقف است که جهت تقویت روحیهٔ همبستگی ملی و میهنی باید به بازآفرینی اساطیر گذشته دست یازید. «اسطوره‌ها روایت‌های رمزگونهٔ یک قوم یا یک ملت و شرح قهرمانیهای آنان است که در آن قهرمانان، چهره‌های نیمه خدایی هستند که قدرت مافوق طبیعی دارند. این روایتها با عالم قدسی اتصال دارند در اسطوره‌ها با آغاز و پیدایش آفرینش آیینها و سنتها سرو کار داریم. اسطوره‌ها به سبب آنکه از اصول بنیادین شاکلهٔ تفکر قومی و از رموز اتحاد و یکپارچگی ملی بشمار می‌آیند و به سبب پیوند ناگسستنی با مناسک و آیینهای مقدس گذشته، در متون ادبی نقش برجسته‌ای دارند چرا که همواره در ضمیر شاعران و هنرمندان حضور داشته و گاه و بیگاه در قالب زبان نمادین، ظهور بروز می‌یابند» (کافی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۰). میزان توجه به اساطیر و استفاده از آنها توسط شاعران و هنرمندان به عوامل و شرایط گوناگون اجتماعی، سیاسی و خلاقیت آنها بستگی دارد. «شاعر دفاع مقدس، در انطباقی فعال با نیازهای زمان خویش، اساطیر کهن

جهانی یا ملی میهنی را با ذهنیات حاضر خویش بازآفرینی میکند» (رشیدیان، ۱۳۷۰: ص ۹۱) تا از راه بیان نمادین اساطیری به خوانشی جدید از رخدادها و حوادث عصر خویش دست یابد. «اسطوره‌سازی یکی از ویژگیهای شعر دفاع مقدّس است که شاعران این عرصه بعضاً با استفاده مناسب از شخصیت‌های نمادین و اساطیری توانسته‌اند یاد و خاطره حماسه‌سازیه‌ها و دل‌آویزیهای رزمندگان، شهیدان و مردم را جاودانه سازند» (همان: ص ۱۷۵). در حقیقت شاعر دفاع مقدّس به این حقیقت دست یافته است که با عنایت به نمادهای کهن و اساطیری و گریز به حماسه‌ای سترگ چون اثر بی‌بدیل حکیم فرزانه طوس شاهنامه و اسوه‌سازی به کمک نمادهای کهن و پرکاربرد اساطیری میتواند زیبایی و ماندگاری شعر خویش را قوت بخشیده و آن را در اذهان مردم جاودانه سازد. از این رو شعر دفاع مقدّس بستری مناسب برای احیا قهرمانان اساطیری چون آرش، اسفندیار، رستم، کاوه، فریدون و... میشود تا با بهره‌گیری از نمادهای کهن قدرت و توان مرز و بوم اهورایی ایران را به رخ اهریمنان و دژخیمان بعثی بکشد. رستم بعنوان قدرتمندترین و محبوبترین پهلوان شاهنامه که صفات نیک اخلاقی، رفتاری، توان جسمی فراطبیعی و تأیید الهی همواره در شاهنامه با او همراه است تجسم آمال و آرزوهای ملّتی است که در مقابل رژیم بعث با صلابتی اسطوره‌ای و رستم‌گون ایستادگی و مقاومت نموده‌اند. «رستم تجسم آرزوی پیشینیان ماست. کشش و کوشش بشر برای زندگی بهتر و سیر بسوی اعتلا و پیروزی بر بدی و گزند و زشتی، که بهترین جلوه آن در پهلوانان حماسی از جمله رستم نمود یافته است. رستم در میان این پهلوانان، همه صفتهای لازم را در خود جمع دارد» (صفا، ۱۳۸۳: ص ۲۹۲).

بر تن رویین نباشد تیغ چوبین کارگر / ایکه داری جوشن تکبیر بر پیکر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۴۵)

شاعران دفاع مقدّس با بهره‌گیری از زبان نمادین و ساختار روایی اسطوره‌ای، ظرفیتهای قابل‌توجهی هنری بسیاری را جهت تصویرسازی و اقتناع حس زیبایی‌شناسانه مخاطبان خویش با بهره‌گیری از نمادهای اسطوره‌ای شاهنامه فراهم کرده‌اند. عناصر نمادینی که از قهرمانانی چون رستم، اسفندیار، فریدون و... تا موجودات، حیوانات و پرندگان اسطوره‌ای بمانند سیمرغ، رخس و... را در برمیگیرد؛ مانند توجه به اسطوره ققنوس در این ابیات:

تو را از قتلگاه شعر شور و دفتر آوردند / شهید من تو را از خاکریزی دیگر آوردند / برای غربت گل هر چه خواندی
ازغوانی بود / برسم قدردانی از گلوی خنجر آوردند / تو را همچون نگینی سرخ از انگشتر چشمم / به نیش
دشنه‌های تشنه نفرت درآوردند / بخوان چاوش آتش ای دل / ای مرغ اساطیری / که از ققنوس بی‌پروای من
خاکستر آوردند (حسینی، ۱۳۸۸: صص ۵۲، ۵۳).

و یا تعبیر مرغ رویین‌بال عشق، رخس آتش‌بی و اسفندیار در این ابیات:

سندباد قهرمان اسطوره دریا و موج / می‌رود با اسب توفان تا دیار سرنوشت / باز آی از قاف گل تا دیار سرنوشت /
باز آی از قاف گل ای مرغ رویین‌بال عشق / تا شود مغلوب من اسفندیار سرنوشت / کفشهای مغلوب من اسفندیار
سرنوشت / کفشهای آهنین سام گردافکن چه شد / در کویر خار وامانده سوار سرنوشت / رخس آتش‌پی بگو داستان
آهن‌دل کجاست / اشکبوسی تازه دارد کارزار سرنوشت (مردانی، ۱۳۶۴: ص ۳۲).

گویید خصم دون را زنجیره جنون را / ماییم در مصافت آماده خطرها
ما از عشیره خون رویین‌تان عشقیم / شمشیر ما شهادت ایمانان سپهرها
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۲۶)

اشارات بینامتنی به اسطوره‌ها بخصوص یاری گرفتن از اساطیر شاهنامه جهت ساختن تصاویر و معانی ژرف حماسی در شعر دفاع مقدّس، موجب برانگیختگی شور و هیجان ملی در مخاطب و زنده ساختن شخصیت‌های چون کاوه و آرش و... میشود:

اینان هر چند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / در گوششان کدام امام است / بر دوششان درفش قیام است (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۳۸۸).

بگو به کاوه پیروز تا بر افروزد / درفش وحدت رزم‌آوران به باره خون
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۲۶)

خطاب مردانی به رزمندگان نستوه و قهرمانان ملی ایران زمین:

اساطیر همیشه باشکوه شاعر طوسی / سکوت سایه سیمرغ در افسانه مایی
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۸)

بینامتنیت نمادپردازی مضامین عرفانی و دینی

نماد و نمادپردازی بویژه در ادبیات عرفانی جایگاه ویژه‌ای داشته است تا جایی که شاعران و نویسندگان عارف و صوفی برای ترسیم حقایق پنهانی، حالات روحی و کشف و شهود قلبی خود الفاظ و معانی رمزی را با بهره‌گیری از میراث کهن ادبی در توصیف این حالات بکار برده‌اند. این لغات و الفاظ نمادین عناصری از پدیده‌های طبیعی، دینی، مذهبی، اصطلاحات خمربه و... را دربرمیگیرد که ابتدا در زبان معمول و کلام غیرعرفانی رایج بوده است اما صوفیه برخی از این کلمات را در قالب نمادهایی بمنظور بیان مجازی خویش بکار برده‌اند. نمادهایی مانند «جام باده، فره، ساقی... که چون ربطی به زبان شریعت و طریقت نداشت و از مرتبه درک و فهم ظاهرینان و عوام خارج بود، [گاه] موجب اتهام صوفیان به کفر و زندقه [نیز] میشد» (غنی، ۱۳۶۱: ص ۸۷). در بیت زیر از حسینی «سربداران» نمادی از جانبازان و عاشقان در راه دین و وطن است:

از نسل سرخ سربداران سلحشور / نام‌آوران خطه دار و طنابند
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۱۲).

ذوالجناح نمادی از عشق و شوق:

با ذوالجناح نور تا معراج راندند / تا وعده‌گاه عشق تا حلاج راندند
(همان: ص ۳۸)

نمادهای عرفانی در شعر دفاع مقدّس از یکسو با مسائل و موضوعات معرفتی و شهودی و حالات سلوک معنوی شهدا و رزمندگان سر و کار دارد از سویی جهت تقدّس بخشیدن به مبارزات و فداکاریهای جان برکفان عرصه پیکار با دشمن متجاوز مورد استفاده قرار گرفته است، حماسه‌پردازان بزم عشق و مستی در جبهه‌های نبرد در حقیقت ساکنان سیرمن‌الخلق الی‌الحقی هستند که گذر آنها از عالم خاک تا افلاک برای رسیدن به وادی عشق بوده است و از آنجا که مسیر سلوک عاشق، ناگفتنیهای بسیاری دارد و به قول مولانا:

چون قلم اندر نوشتن میشتافت / چون بعشق آمد قلم بر خود شکافت
(مولانا، ۱۳۷۱: ص ۶۱/۱)

از این رو عبارات و تعابیر عرفانی در این نوع ادبی مورد توجه شاعران قرار گرفته است و به تعبیر امین‌پور:

ای عقل که وامانده صدها رازی تا چند به چند و چون میپردازی
یاران، سفر عشق به پایان بردند تو مرد نه‌ای هنوز در آغازی
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۵۰)

تعبیر نمادین الست در این بیت از قزوه نیز قابل توجه است:

کجایند مستان جام الست دلیران عاشق شهیدان مست
(قزوه، ۱۳۷۸: ص ۷۷)

این تعبیر نمادین که حکایت از قرب به حق تعالی دارد. در ادبیات عرفانی ما بارها مورد توجه قرار گرفته است. عزالدین کاشانی در توجه به قرب الی الله معتقد است که قرب استغراق وجود سالک در وجود بی‌نهایت حضرت حق است و رسیدن به این مقام در پی بیخبری سالک از صفات خویش و اتصال به قرب حق است (۱۳۷۲: ص ۴۱۷). قیصرامین‌پور در توصیف شهادت دلاوران میادین نبرد میگوید:

او را / وقتیکه کاشتند / هم سبز بود هم سرخ / آنگاه آن یار بیقرار / آرام در حضور خدا آسود (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۹)

رنگ سرخ و سبز نمادی از شهادت و قرب الی الله است.

عارفان بزم شهادت، مستان عاشقی هستند که این عشق تمام صفات درونی آنها را فراگرفته است. عاشق از باده هستی مطلق، سرمست است و از خود بیخود شده و حیرت و سرگردانی که در اوست در اثر مشاهده جمال دوست و حضرت حق تعالی است (ر.ک سجادی، ۱۳۸۶: صص ۷۲۰-۷۲۱).

زالال جام بدست فرشته نوشیدن شراب از لب مست فرشته نوشیدن
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۱۳۱)

حلاج اسطوره‌ای عرفانی در ادبیات دفاع مقدس است که بعنوان نمادی از عشق، پاکبازی و صافی ضمیر معرفی شده است:

تا لاله رخان بانگ انالالحق نزنند دیباچه سرخ عشق تدوین نشود
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۷)

منصور سربریده ما با زبان سرخ ناخوانده گفت قصه بی‌انتهای خون
هر لحظه بر مناره بودن ز سوگ عشق آید ز بانگ انالالحق زنان خون
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۳۱)

در توصیف قرب و نزدیکی رزمندگان به درگاه الهی از نماد حضرت موسی کلیم‌الله بهره گرفته‌اند:

سورشان آتش طور موسی / داغشان مهر مهرباب زرتشت / کوله بر پشت و سجاده در پیش (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۶۸).

ابراهیم خلیل‌الله نیز نمادی از رزمندگان جان بر کف است که در آتش عشق پروانه‌ار سوختند:

همچو خلیل بت‌شکن در آتش عشق رفتند و راه گلشنی دیگر گرفتند
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۸)

مقام والای امام خمینی که رهبر معنوی دفاع مقدس ایران علیه دشمن متجاوز است با نمادی از نوح و ابراهیم بت‌شکن تجسم شده است:

نوح آمده نوح آمده بر جسم ما روح آمده
آمد ز نسل بوالحسن کافر شکار بت‌شکن
تا کشتی ما را برد سوی کنار دیگری
مرحب‌شکن خیبرفکن خنجر گذار دیگری
شیر اوژنان را صفدری با ذوالفقار دیگری
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۸۷)

در بیان شباهت سرسپردگی و عاشقی رزمندگان اسلام به داستان حضرت اسماعیل (ع):

آن‌ان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند
آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند
(خمینی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۰)

آنچه که از بررسی‌های بعمل آمده بدست آمده آن است که در میان مفاهیم نمادین در حیطه نمادهای مذهبی و آیینی، رویکرد شاعران دفاع مقدّس، به بنمایه‌های ادبیات شیعی و عاشورایی بسیار محسوس و قابل توجه است. «کهنترین اشعار عاشورایی و مرثیه‌های شیعی در وصف خاندان امام حسین (ع) از آن قوامی رازی شاعر نیمه اول قرن ششم است. قوامی رازی دو مرثیه عاشورایی دارد که اولی قطعه‌ای است در شش بیت و دومی قصیده‌ای ۵۹ بیتی است» (ر.ک صاحب‌کاری، ۱۳۷۹: ص ۵۲). شاید بتوان گفت کسایی مروزی (۳۴۱ ه. ق) از نخستین شاعران شیعی است که با بهره‌گیری از خیال‌پردازی مضامین گوناگونی را در مرثیه امام حسین (ع) بکار برده است پس از وی در تاریخ ادبیات زبان فارسی شاعران گوناگونی به نمادپردازی با مفاهیم عاشورایی پرداختند:

گلگشت عاشقان همه در خون خود بود
این است لاله‌زار شهیدان کربلا
کربلای عشقم و میدانم از جور فلک
نیست آبی نزد این مهجور رند تشنه لب
(فاریابی، ۱۳۶۶: ص ۱۸۷)

از جمله این نمادهای عاشورایی و مذهبی:

بشتاب برادر دلیرم بشتاب
عباس تویی تازه فراتی دریا
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۲)

تصویر امام حسین در ادبیات عاشورایی بعنوان برجسته‌ترین نماد قیام علیه ظلم و ستم بارها مورد توجه شاعران دفاع مقدّس قرار گرفته است:

راهها راه حسین است که با تیشه خون
همه بتهای زمین در شب روشن شکنیم
به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم؟!
ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۸۲۵)

در امتداد تاریخی حسین
فواره‌های خون شما بهترین جواب
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۲۴)

بینامتنیت نمادهای برگرفته از طبیعت و عناصر طبیعی

شب: در ادبیات کلاسیک ایران، شب نمادی از تنهایی، خلوت، گفتگو و زمانی برای دلدادگی عاشق و معشوق و راز و نیاز با معبود است. «عارف در ادبیات کلاسیک چه شعر و چه نثر، از ازدحام و غوغای روز بخلوت و سکوت شب پناه میبرد. آنها در پی این بودند تا زیرپوست شب خود را بیابند. از این رو شب [در ادبیات کلاسیک] نمادی از قطع تعلق و رهایی حواس و مشغول شدن بعالم تعلقات بوده است» (پورنامداریان و خسروی شکیب، ۱۳۸۷: ص ۱۶۰). در ادبیات کلاسیک کمتر شاعری است که از دلدادگی و خلوت خویش در شب با معبود و معشوق سخن نگفته باشد؛ مانند:

دوش در حلقه ما گیسوی تو بود تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود
(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

از نظر ظرفیت زمانی، شب بستری مناسب برای خلوت عاشق با معشوق و راز و نیاز با اوست که مستلزم بیداری و آگاهی میباشد و این مسأله خود شب را ارزشمند نموده است. خلوت عاشقان در شب است چرا که در شب اغیار بخواب فرو رفته و فرصتی بسیار مناسب برای عاشقی و دلدادگی فراهم می‌آید. در ادبیات کلاسیک ما نماد شب دارای دو جنبه است؛ جنبه تیرگی و تاریکی که زوال، نابودی و تباهی را نشان میدهد و وجه مثبت آن که زمینه‌ساز نور و روشنائی صبح است. چشم‌انداز تاریخی نمادسازی با مفهوم شب در ادبیات فارسی گاه انعکاسی از گفتمان باستانی و اندیشه‌های اسطوره‌ای است. در شاهنامه فردوسی و داستانهای چون داستان بیژن و منیژه و تا حدودی در داستان خسرو و شیرین نظامی این کارکرد اساطیری و رازناک را میتوان مشاهده نمود. ترکیباتی که نظامی از نماد شب ارائه میدهد مانند:

چو روز آینه خورشید بریست شب صد چشم هر صد چشم بر بست
(نظامی، ۱۳۸۲: ص ۱۹۱)

چو زلف شب از حلقه عنبری سمن ریخت بر طاق نیلوفری
(همان: ص ۷۱۸)

چو پیدا شد از آسمان گرد ماه شب تیره بیفشاند زلف سیاه
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۷ / ۱۰۴)

در شعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس شب گاه نماد ظلم و ستم دشمن است: کاشانی در شعر زیر ضمن تقدیس رزمندگان اسلام و امید و انتظار برای صبح پیروزی آنان، شب را نمادی از ظلم و بیداد دشمن متجاوز در نظر گرفته است:

شکست کنگره شب، طلوع را نگرید / دمیده نور ز هر خاکریز و سنگر / شما بشیر طلوعید و ارمغان شماست / کلید صبح رهایی، خدایتان یاور (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۲۶۹).

این نگاه منفی به شب در ادبیات عرفانی نیز بصورت توجه به وجه کثرت مورد توجه قرار گرفته است. لاهیجی در توصیف جنبه منفی شب میگوید: «کثرت شب است از آنکه ظلمت و تفرقه دارد و کثیر است و این کثرت مثل خطی است که به گرد یک وجه و روی دمیده است» (۱۳۸۱: ص ۵۸۸). نمودی دیگر از وجه تاریک، غمناک و تیره شب در این بیت از سعدی:

شب غمهای سعدی را مگر هنگام روز آمد که تاریک و ضعیفش چون چراغ صبحدم کردی
(سعدی، ۱۳۶۶: ص ۷۸۴)

نماد شب در این ابیات از قیصر امین‌پور نیز نشان از تیرگی و ظلمت دارد:

باید برای جنگ / از لوله تفنگ بخوانم / با واژه فشنگ / میخواستم شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم / دزفول دیدم که لفظ ناخوش موشک را / باید بکار برد اما... / من از درون سینه خبر دارم / از آن شب سیاه / (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۲۱).

حسینی، در شعر «یادگاری» نوید از صبح و سحر می‌دهد که شب تاریک و تیره ظلمت را روشن می‌سازد. در این شعر، شب به تأسی از نمادپردازی شب در ادبیات کلاسیک ایران، دلالت بر ظلم و تجاوز رژیم بعث و جنایتهای آنان دارد و معتقد است باید با قلم، «پیشانی شب» تیره و تار را آماج هدف قرار داد:

باید امروز قلم برداریم / و به پیشانی شب بنویسیم / سحر در راه است (حسینی، ۱۳۸۵: ص ۹۹).
باد، نسیم: در ادبیات کلاسیک ایران، شاعران به الگوبرداری نسبتاً مستقیمی از طبیعت پرداخته‌اند اما بویژه در دوران معاصر و بعضاً در شعر دفاع مقدس و ادبیات پایداری میتوان متوجه شد که توصیف طبیعت برای شاعر صرف طبیعت بیجان و خاموش نیست و از این ابزار تنها جهت زینت بخشیدن بشعر خویش بهره نبرده‌اند؛ بلکه شاعر در طبیعت غرق میشود تا آن را نمادی برای ارائه احساس خویش قرار دهد. این پیوستگی و استحاله با طبیعت در شعر دفاع مقدس در قالب نمادهای گوناگون ظاهر میشود. سید حسن حسینی در توصیف حالات عارفانه و معنوی متناسب با حال و هوای رزمندگان و قهرمانان عرصه‌های نبرد میگوید:

صبحدم باد سحر / در سراپرده باغ / وعظ مطبوعی داشت / بید مجنون بسماعی ابدی واصل شد / شامه شاعر ما / سر به پای گل بابونه گذاشت.

در فرهنگ نمادها آمده است: «نمادگرایی با باد چندین وجه دارد؛ بدلیل انقلاب درونی‌اش نماد بی‌ثباتی، ناپایداری و بی‌استحکامی است. از سوی دیگر، باد مترادف با نفخه است و در نتیجه مترادف است با روح و جوهر روحی از سرچشمه الهی. از اینجاست که زیور، همچون قرآن، باد را پیک الهی و همسنگ فرشتگان میدانند. در سنت اوستایی در ایران باستان، باد نقش پشتیبان جهان و تنظیم‌کننده توازن جهانی و اخلاقی را بر عهده دارد. در سنت توراتی، بادها نفخه خداوندی‌اند؛ نفخه خدا هرج و مرج اولیه را نظم داد؛ باد اولین انسان را جان داد. بادها ابزار قدرت الهی نیز هستند. آنها زنده میکنند؛ کیفر و تعلیم میدهند؛ بادها علامتند و چون ملانک، پیامها را میرسانند. بادها جلوه موهبتی الهی هستند و هنگامی که بخواهند عواطف خود را و شیرینی لطیف خود را با خشمی طوفانی منتقل میکنند» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۲ / صص ۶-۸). نسیم و باد در ادبیات پیشینه فارسی نمادی از پیام‌رسان و پیک عاشق و معشوق بوده است:

دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد / من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد
 (حافظ، ۱۳۸۰: ۷۳)

فتوحی در کتاب بلاغت تصویر، شش شیوه تصویرپردازی را پیرامون مکاتب ادبی و فکری در جهان مطرح میکند و نشان میدهد که چگونه شاعر و نویسنده یک اثر ادبی بسته به پیچیدگیها و ظرائف جهان اطراف، ساختار فکری و سبک فکری خویش و اقتضای شرایط از یکی از این شگردها بهره میگیرد. شاعر دفاع مقدس بخوبی دریافته است که یکی از ساده‌ترین و همه‌فهم‌ترین شیوه‌های تصویرپردازی که بسادگی قابل درک و دریافت است؛ بهره‌گیری از سنت نمادپردازی ادبیات کهن است از این رو با بهره‌گیری از درونمایه‌های هیجانی و احساسی ادبیات کلاسیک سعی دارد تا عواطف و اندیشه‌های خویش را بصورت نظام‌مندی در قالب توجه به عناصر طبیعی و نمادهایی از جهان پیرامون نشان دهد. شاعر دفاع مقدس از نمادهایی مانند باد برای عروج معنوی رزمندگان و شهدا بهره میگیرد:

دلاوران سحر، اسب باد زین کردند / وضو ز خون جبین در پگاه دین کردند
 به قاف نور گل آفتاب را چیدند / شکوه سی پر سیمرغ را بخود دیدند
 (مردانی، ۱۳۶۴: ص ۱۳۱)

نمادهای فلکی (خورشید، آفتاب، ستاره): کشف و پرورش نمادهای مختلف با معانی متعدد که وراق معنا و مفهوم ظاهری و نخستین باشد کاری بسیار ظریف و هنرمندانه است و به دانش و آگاهی کامل از فرهنگ و ادب گذشته و داشتن نیروی تخیل منوط میشود؛ از همین رهگذر خلاقیت شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس به

آنان کمک نموده است تا عناصر آسمانی و فلکی را با رویکردی به این قبیل نمادها در ادبیات کلاسیک ایران بکار بگیرند. بعنوان نمونه در ادبیات عرفانی ماه، خورشید عموماً نمادی از ذات باریتعالی و حضرت حق است که فیض عامش بر همگان است؛ نیز رمزی از انسان کامل و ولی حق و انسان کامل است چنانکه مولانا میفرماید:

شمس جان کو خارج آمد از اثر نبودش در ذهن و در خارج نظیر
میزند بر تن ز سوی لامکان مینگنجد در فلک خورشید جان
(۱ / ۵۱)

خورشید همچنین نمادی از قدرت بحساب می‌آید و میتوان این معنی را در پیوند با شیر بخوبی مشاهده نمود. «برآمدن خورشید نشان زندگی و حیات و فروشدنش نماد مرگ و نیستی بوده است» (باحقی، ۱۳۷۵: ص ۲۸۰). شعر دفاع مقدس عاطفه و تخیل شاعر تا حدود بسیار در راستای بهره‌گیری سنتی از نماد خورشید در ادبیات کلاسیک است. مردانی در توصیف رزمندگان و حالات معنوی آنان میگوید:

گسترده بمحراب افق وقت نماز روحانی آفتاب سجاده عشق
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۱۴۸)

آسمان و به تبع آن بلندی خورشید که از تقدس برخوردار است سبب شده است که شاعر خورشید را نمادی از سربازان وطن و رزمندگان اسلام بداند که در چنگال شب اسیر شده‌اند:

مانده در چنگال شب خورشید تیرگی بگرفته بُد دیدمان
(همان: ص ۱۶)

شکوفه‌های طلوع‌اند در پگاه یقین که با سپیده، گل آفتاب می‌آرند
(همان: ص ۱۳)

خورشید و روشنایی در شعر سپیده کاشانی نیز گاه نمادی از رهبری معنوی امام خمینی (ره) و نقش وی در هدایت جریان انقلاب پیروزی حق علیه باطل در جنگ تحمیلی است:

سالها مردی از قبیله عشق روی بر مرز روشنایی داشت
پشت بر کوه ظلمتی سیال بذر توحید در زمین میکاشت
(کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۶۸)

هراتی آفتاب را نمادی از آرمانهای والای انسانی میدانند که دشمن متجاوز آن را مورد هدف قرار داد: باید له آن قبله پشت کرد / که دل خورشید را شکستند (هراتی، ۱۳۸۴: ص ۲۳). در قطعه‌ای به نام «از بی‌خطی تا خط مقدم» با تصویری که از مجاهدان و رزمندگان خط مقدم جبهه بتصویر میکشد طلوع آفتاب و روز را در نبود ایمان راسخ و زندگی رفاه‌طلبان چنین توصیف میکند: حتی روز / پنجره‌ها بسمت تاریکی / باز میشوند / اگر بتوانی موقع رسیدن را درک کنی / برای رفتن / همیشه فرصت هست (هراتی، ۱۳۸۴: ص ۷۳).

و در توصیف خط مقدم جبهه، آفتاب نمادی از نور، عروج و روشنی است:

خواب دیدم / دلم برای لمس آفتاب / چونان نیلوفری / بر قامت نیزه پیچید (همان: ص ۷۴).

آفتاب در این بیت از امین‌پور نیز نمادی از نور و روشنی است:

ای آتش آفتابی فصل طلوع / آبی به ترانه‌های ما بخشیدی (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۷)

او ترجمه زبان آب است همین او معنی محض آفتاب است همین
(همان: ص ۴۱)

و در توصیف شهادت و کفن‌پوشی شهدا، تنها معیار و سنجۀ اندازه‌گیری قامت معنوی شهیدان را قامت آفتاب میداند:

پیراهن تازه تو را می‌باید با قامت آفتاب اندازه گرفت (همان: ص ۵۱).

قیصر در جایی دیگر با تقابل روز و شب و آفتاب و تاریکی، نمادی از نور و ظلمت را بخوبی توصیف میکند:

شب عبور شما را شهاب لازم نیست که با حضور شما آفتاب لازم نیست
(همان: ص ۳۹۰)

قیصر خندۀ شهید را با نمادی از آفتاب و روشنی آن بتصویر میکشد:

چنان از شرق میخندی که گویا

تو را با هر چه نورخورشید ارتباطی است (همان: ص ۱۰۱)

ستاره: ستاره در شعر کلاسیک فارسی نمادی از درخشش، نور، روشنی و دلیل راه و راهبر است که در تاریکی و ظلمات راه را نمایان میسازد؛ چنانکه حافظ میفرماید:

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت
(حافظ، ۱۳۸۴: ۶۸)

و یا این بیت از بیدل دهلوی:

در بیابانی که ما راه طلب گم کرده‌ایم کرم شبتابی اگر در جلوه آید کوکب است
(بیدل دهلوی، ۱۳۷۶: ص ۱۱۲)

مردانی، ستاره را در این ابیات در توصیف عروج شهدا و بعنوان نمادی از نور و روشنی همراه با مفهوم نمادین این تصویر در ادبیات کلاسیک چنین چنین بکار برده است:

سمند صاعقه زین کن سوار باید رفت به عرش شعلۀ سحر با ستاره باید رفت
شهید زنده تاریخ عشق میگوید به دار سرخ اناالحق دوباره باید رفت
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۵)

و یا تصویر نور و روشنایی در این ابیات:

طلوع برکۀ خورشید تابناک دل است

ستاره‌ای که ز آفاق دیده می‌آید

ستاره‌های صبوری که روح ایثارند

به دشت تیره شب بذر نور میکارند (همان: صص ۱۲ ۱۳)

بیرون این معین محدود / رودی از ستاره جاری است / رود شهید / با سکوت همصدا شو / تا بشنوی پشت آسمان چه میگذرد (هراتی، ۱۳۸۴: ص ۱۰۹).

فصول، جنگل، رود، دریا: از دیگر عناصر طبیعی که در ادبیات کلاسیک و شعر دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفته است توجه به فصلها از جمله بهار و خزان، گلها و بویژه گل شقایق و لاله، دریا و جنگل است. این عناصر نمادین بیشتر در توصیف جلوه‌های عظمت و زیبایی معشوق در شعر فارسی بکار رفته است. گلها، گیاهان و بطور کلی طبیعت در ادبیات کهن فارسی بویژه سبک عراقی که مجالس بیشتر جهت تصویرگری و خیال‌پردازی در

اختیار شاعر قرار میداد علاوه بر زیبایی مادی، عوالم روحانی و احوال خوش سالک طریقت را بتصویر میکشد. گرچه این گونه نمادپردازیها و توصیفات در سبک خراسانی بیشتر آفاقی و برونگراست (ر.ک شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۳۱۷)؛ چنانکه در شعر منوچهری در توصیف بهار میخوانیم:

وقت بهار است و وقت ورد مورد گیتی آراسته چو خلد مخلد
نرگس چون دلبرست سرش چشم سرو چو معشوقه‌ای است تنش همه قد
(منوچهری، ۱۳۲۶: ص ۱۵)

اما توصیف طبیعت بعنوان نماد یا نشانه مناسبات و پیچیدگیهای افکار و احساسات شاعران را در نگاه به پدیده‌های بیرونی و استفاده از آنها بعنوان نماینده یک معنا و جایگزین یک نشانه را میتوان در شعر حافظ، سعدی، مولانا و... بخوبی مشاهده نمود.

بعنوان نمونه «مولوی دریا را مظهر بخشندگی، کرم، فسادناپذیری، شویندگی، هیبت، خاموشی، وسعت، رازداری، پایان‌ناپذیر و... [میداند] در نگاه او دریا مظهر وجود منبسط با همه پیچیدگیهای آن است» (بعنوان مثال بهار در این غزل از مولانا مظهری از خدا و انسان کامل است:

بهار آمد بهار آمد رهیده بین اسیران به بستان آ به بستان آبین خلق نجاتی را
درختان بین درختان بین همه صایم همه قایم قبول آمد قبول آمد مناجات صلاتی را
(مولانا، ۱۳۸۵: ۷۶)

چنانکه گفته شد نمادهایی مانند روز، شب، آفتاب، صبح، بهار، خزان، ستاره و... از واژگان نمادین شعر دفاع مقدس بشمار می‌آیند:

سپاه فاتح خورشید در دیار فلق بساط خیمه شب سوخت در زبانه صبح
(مردانی، ۱۳۶۴: ص ۱۹۶)
آمد بخواب سبز خیالم که عاقبت خورشید روشن از پس کولاک میرسد
(کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۳۹)

بهار در اندیشه کاشانی، نمادی از پیروزی، آزادی، جوانی و توانمندی و اقتدار رزمندگان اسلام و خزان نمادی از ظلم و ستم دشمن متجاوز، مرگ و پژمردگی است:

در ماخزان دمید و شوق بهار نیست بر بوته کویر مگر نیش خار نیست
(همان: ص ۳۲)

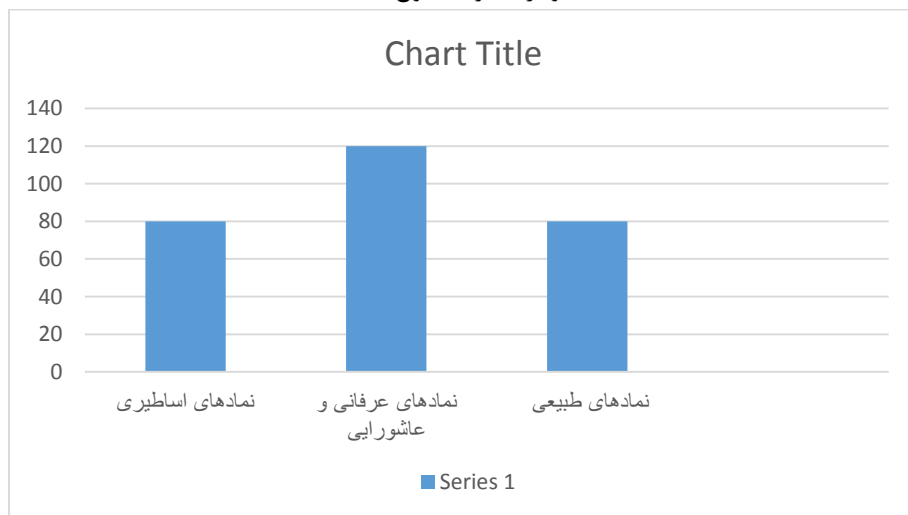
باران که نمادی از صفا، صلح، زندگی، آزادی و طراوت است و در روزگار جنگ و خصومت خبری از آن نیست: قحط باران بود و روز مرگ اقیانوسها شب نخفتیم از صدای گریه فانوسها
(قزوه، ۱۳۷۸: ص ۴۳)

حیسنی در توصیف ایمان و اعتقاد رزمندگان؛ رود و چشمه را مظهر و نمادی از روشنی، پاکی و... میداند: دلتان چشمه جوشنده ایمان و یقین رود همواره خروشان شرف، پیکرتان
(حسینی، ۱۳۸۵: ص ۲۷)

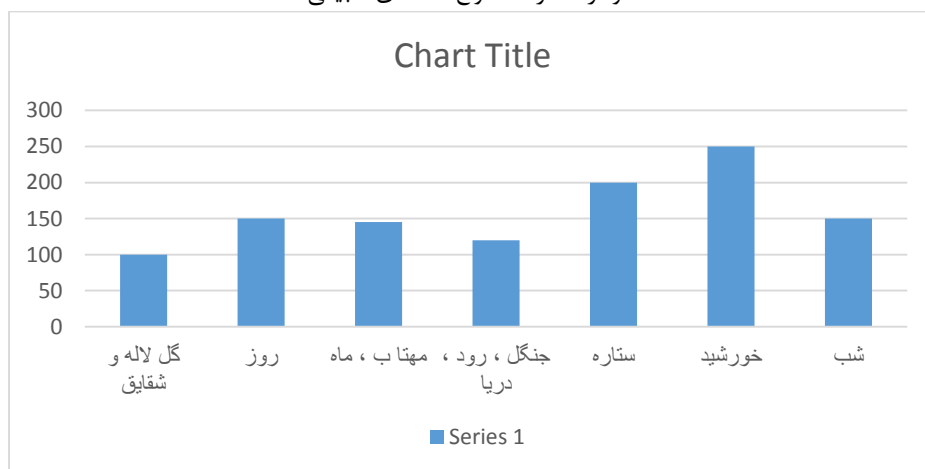
مثالهای دیگر:

گنجینه طوفان دل دریایی ماست آیینة حق، روح معمایی ماست
(همان: ۱۳۸۸: ص ۱۷)

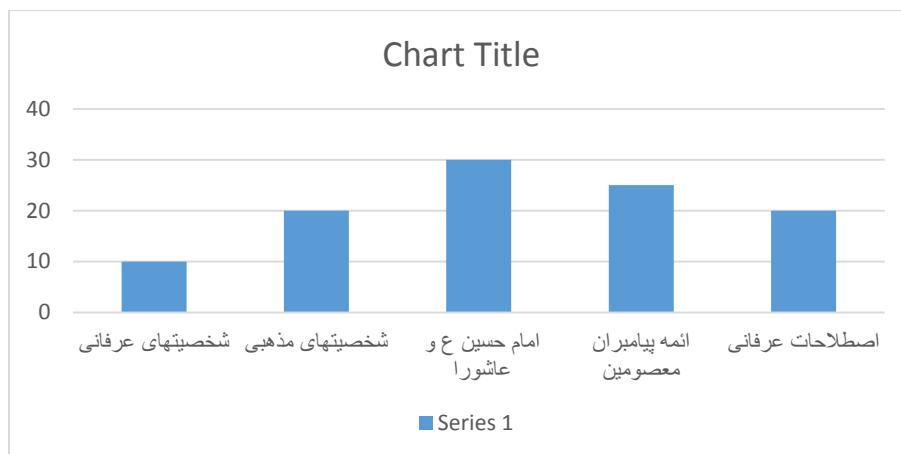
نمودار شماره ۱. انواع نماد



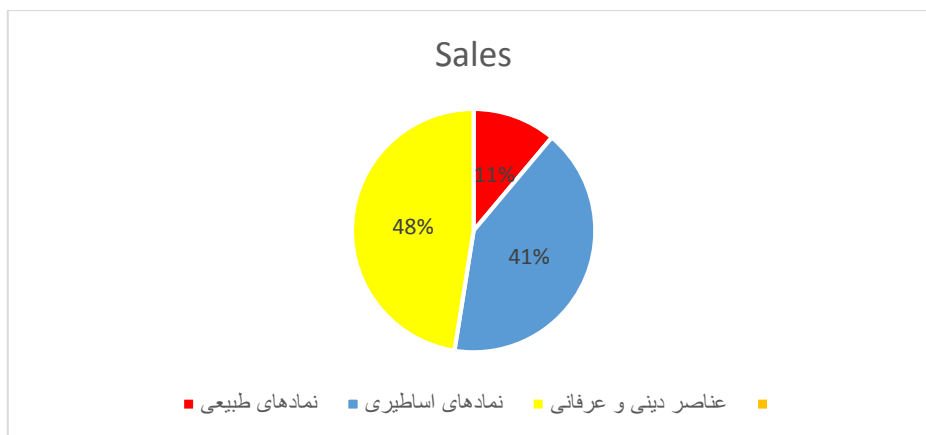
نمودار شماره ۲. انواع نمادهای طبیعی



نمودار شماره ۳. نمادهای عرفانی و دینی



نمودار شماره ۴. بسامد و کاربرد انواع نماد در شعر دفاع مقدس



نتیجه گیری

از نتایج بررسی تحلیل و طبقه بندی نحوه کیفیت انعکاس بینامتنی نماد در شعر دفاع مقدس نتایج زیر بدست آمده است: شاعران دفاع مقدس به تأثیر از سنت شعری ادبیات کلاسیک فارسی، از ظرفیتهای نمادین ادبیات گذشته در مسیر تبیین عقاید و تفکر خویش بهره برده اند؛ نمادپردازی با تأکید بر خلاقیت هنری و نوآوری شاعران در راستای تأکید اصول عقیدتی و ایدئولوژی این نوع ادبی است. در قاموس ادبیات دفاع مقدس، با توجه به تحولات محتوایی، مضمونی و عقیدتی که حاصل از پیروزی انقلاب اسلامی و حمله خصمانه رژیم بعث به ایران، شاعران

ضرورت استفاده از نمادهای گوناگون ملی، میهنی و دینی را در راستای تقویت بنیانهای فکری شعر دفاع مقدس بکار برده‌اند و بدین طریق پیوندی ناگسستنی میان ادبیات کلاسیک و معاصر در زمینه نمادپردازی برقرار نمودند. در مجموعه اشعار مورد بررسی نمادپردازی دینی و مذهبی در مرتبه اول و در مرتبه بعدی نمادهای اساطیری و سپس بهره‌گیری از نمادهای طبیعی در مراتب بعدی قرار دارد و از درصد فراوانی بیشتری برخوردار است؛ با این توضیح که شاعران دفاع مقدس، در الگوسازی و ترسیم اصول فرهنگی و تقویت هویت ملی، میهنی و بنیانهای معرفتی و عقیدتی مخاطبان به متون ادبی یا اشعار شعرای کلاسیک توجه نموده‌اند. لازم بذکر است که استفاده از نمادهای ادبی از شگردهای نوسازی تصویر در شعر دفاع مقدس است. گره‌خوردگی و پیوند تصاویر نمادین با متن در این اشعار بگونه‌ای است خواننده با دانش قبلی و فراخواندن پیش اطلاعات گذشته ادبی خویش میتواند بفهم معانی باطنی اشعار راه یابد. در میان تصاویر مذهبی، بیشترین کارکرد با واقعه تاریخی عاشورا و حوادث آن و توجه به قیام امام حسین (ع) است. در خصوص بهره‌گیری از اساطیر ملی توجه بیشتر شاعران به شاهنامه و اساطیری چون رستم، اسفندیار، کاوه، فریدون و دژخیمانی چون ضحاک است و از میان اساطیر طبیعی توجه به شب، گل لاله و شقایق، رود و نسیم بیشتر از سایر موارد است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر استخراج شده است. آقای دکتر هوشمند اسفندیاریور راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم اسما رجائی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر صدیقه علیپور به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

- Ahmadi. Babak (2001). From visual cues to text. second edition. Tehran: Nashr al-Karzan, p. 327.
- Aminpour. Caesar (2009). Complete collection of poems. second edition. Tehran: Pearl.
- Alan. Graham (2006). intertextuality Translation: Payam Yazdanjo. Tehran: Nashr al-Karzan, p.129
- Bidel Dehlavi. Mirza Abdul Qadir (1997). Diwan of poems. Try it: Akbar Behdarvand and Parviz Abbasi Dakani. Tehran: Elham.
- Poornamdarian Taghi and Khosravi Shakib. Muhammad (2008). Metamorphosis of symbols in contemporary poetry. A scientific-research quarterly of Persian language and literature research. Number 11. pp.147-162
- Chadwick. Charles (1999). Symbolism. Translation: Mehdi Sahabi. Tehran: Center, pp. 9-10
- Chandler. Daniel (2008). Basics of semiotics. second edition. Tehran: Surah Mehr, p. 284
- Hafez Shamsuddin Mohammad (2001). Diwan by the efforts of Qasim Ghani and Mohammad Qazvini. Tehran: Khorram.
- Hosseini. Seyed Hasan (2002). A selection of the holy war and defense poem. Tehran: Surah Mehr. P. ۹
- Hosseini. Seyed Hasan (2007). Consonant with Halq Ismail. Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini. Seyyed Hasan (2008). Torbad's travelogue. second edition. Tehran: Poets Association of Iran.
- Hosseini. Seyyed Hasan (2011). Generic drug plan. Eighth edition. Tehran: Surah Mehr.
- Hosseini. Saleh (1990). Vocabulary of literary terms. Tehran: Nilufar, p. 39
- Hamidian Said (2002). Metamorphosis story. Tehran: Nilofar, p. 142
- Dekhoda Ali Akbar (1993). dictionary. Tehran. Tehran University Publications.
- Rashidian Behzad (1991). Mythological insight in contemporary poetry. Tehran: Farhad, pp. 91-175
- Samani Farhad (2010). Semantic analysis: towards social semiotics. Tehran: Alam, p. 219
- Sajjadi Syed Jaafar (2007). Dictionary of mystic terms and interpretations. Eighth edition. Tehran: Tahuri, pp. 720-721
- Saadi. Mosleh bin Abdullah (1987). Diwan Ghazalyat. To the attention of: Khalil Khatib Leader. Tehran: Tahuri, p.784

- a bastion Mohammadreza (2010). Holy defense literature. Tehran: The Foundation for Preservation of Sacred Artifacts and Values, pp. 22-23-91
- Shafii Kadkani Mohammadreza (1991). Sorkhayal in Persian poetry. Tehran: Aghaz, p. 317
- Shamisa. Cyrus (2019). Expression. fourth edition. Tehran: Mitra, p. 266
- the knight Jean and Gerbran. Alan (1999). The culture of symbols. Translation: Sudaba Fadaeli. C۲. Tehran: pp. 6-8
- business owner Zabihullah (2000). Siri in the Ashurai lament. Tehran: Ashura Publishing House, p. 52
- rich Qasim (1990). Discussion in Hafez's works and thoughts and condition. Tehran: Tos, p. ۸۷
- Faryabi Zaheer (1987). Diwan of poems. Tehran: Kaveh.
- Ferdowsi Hakim Abulqasem (2013). Shah nameh. Edited by: Saeed Hamidian. Based on the Moscow edition. Central Tehran.
- Qasimzadeh Seyed Ali and others (2013). The hint of intertextuality in the poetry of the holy defense poets. Journal of sustainability literature. Faculty of Literature and Humanities with Art Kerman. sixth year Number eleven. pp. ۳۳۳-۳۵۶
- Qazwa Alireza (1999). From the grove to the street. Fifth Edition. Tehran: HozeH Art Publications.
- cashier Ernest (1981). Philosophy and culture. Translation: Bozor Nardzadeh. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, p. 49
- Kashani Sepideh (2010). collection. Tehran: Anjuman Qalam Publications.
- Kashani Ezzeddin Mahmoud (1993). Misbah al-Hidayah and Miftah al-Kafayah. Correction: Jalaluddin Homai. fourth edition. Tehran: Homa Publishing. P. 417
- enough Gholamreza (2010). Knowing the literature of the Islamic Revolution. Tehran: The Foundation for the Preservation of the Works and Publication of Holy Defense Values, pp. 170-172
- Lahiji Muhammad bin Yahya (2002). Description of Golshanraz. (Mufatih al-Ijaz). Editor: Alikoli Mahmoudi Bakhtiari. Tehran: Alam, p. 588
- Masculinity Nasrullah (2009). The law of love. Tehran: Sadra.
- Masculinity Nasrullah (1981). Rise of Light Tehran: Islamic thought and art.
- Masculinity Nasrullah (1985). Khoonama Khak (a collection of poems). Tehran: Keihan.

- Manochehri Damghani (1947). Diwan of poems. Try it, Mohammad Debirsiaghi. Tehran: Paktachi Printing House.
- Molana. Jalaluddin Mohammad (1992). Masnavi. Courtesy of: Reynolds Allen Nicholson. 11th edition Tehran: Amir Kabir.
- Molana. Jalaluddin Mohammad (2006). General Diwan Shams Tabrizi. Tehran: Look.
- Mir Sadeghi Jamal (2001). Story elements. Tehran: Sokhn, 543-544
- Namvarmotlaq Bahman (2006). Transtextuality is the study of the relationships of a text with other texts. Tehran Journal of Human Sciences Quarterly: No. ۵۶, pp. 83-98
- Namvarmotlaq Bahman (2006). An Introduction to Intertextuality: Theory and Applications. Tehran: Rast Sokhan Publications, p. 83
- Military. Elias bin Yusuf (2002). Khamsa By the efforts of Saeed Hamidian. Tehran: drop..
- Herati Salman (2004). From the green sky. Tehran: Publications of the Islamic Propaganda Organization.
- right Mohammad Jaafar (1996). The culture of mythology and fictional references in fictional literature. second edition. Tehran: Soroush. P.

فهرست منابع فارسی

- احمدی. بابک (۱۳۸۰). از نشانه‌های تصویری تا متن. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز، ص ۳۲۷.
- امین‌پور. قیصر (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- آن. گراهام (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه: پیام یزدان‌جو. تهران: نشر مرکز، ص ۱۲۹.
- بیدل دهلوی. میرزا عبدالقادر (۱۳۷۶). دیوان اشعار. بکوشش: اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی. تهران: الهام.
- پورنامداریان. تقی و خسروی شکیب. محمد (۱۳۸۷). دگردیسی نمادها در شعر معاصر. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۱. صص ۱۴۷-۱۶۲.
- چدویک. چارلز (۱۳۷۸). سمبولیسم. ترجمه: مهدی سبحانی. تهران: مرکز، صص ۹-۱۰.
- چندلر. دنیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. چاپ دوم. تهران: سوره مهر، ص ۲۸۴.
- حافظ. شمس‌الدین محمد (۱۳۸۰). دیوان. به کوشش قاسم غنی و محمد قزوینی. تهران: خرم.
- حسینی. سیدحسن (۱۳۸۱). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس. تهران: سوره مهر. ص ۹.
- (۱۳۸۵). همصدا با حلق اسماعیل. تهران: سوره مهر.
- (۱۳۸۸). سفرنامه گردباد. چاپ دوم. تهران: انجمن شاعران ایران.
- (۱۳۹۱). نوشداروی طرح ژنریک. چاپ هشتم. تهران: سوره مهر.
- حسینی. صالح (۱۳۶۹). واژگان اصطلاحات ادبی. تهران: نیلوفر، ص ۳۹.

- حمیدیان. سعید (۱۳۸۱). داستان دگردیسی. تهران: نیلوفر، ص ۱۴۲.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- رشیدیان. بهزاد (۱۳۷۰). بینش اساطیری در شعر معاصر. تهران: گسترده، صص ۹۱-۱۷۵.
- سامانی. فرهاد (۱۳۸۹). معناکاوی: بسوی نشانه‌شناسی اجتماعی. تهران: علم، ص ۲۱۹.
- سجادی. سیدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ هشتم. تهران: طهوری، صص ۷۲۰-۷۲۱.
- سعدی. مصلح‌بن عبدالله (۱۳۶۶). دیوان غزلیات. به اهتمام: خلیل خطیب رهبر. تهران: طهوری، ص ۷۸۴.
- سنگری. محمدرضا (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، صص ۲۲-۲۳-۹۱.
- شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۰). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه، ص ۳۱۷.
- شمیسا. سیروس (۱۳۹۹). بیان. چاپ چهارم. تهران: میترا، ص ۲۶۶.
- شوالیه. ژان و گربران. آلن (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. ترجمه: سودابه فضالی. ج ۲. تهران: صص ۶-۸.
- صاحبکاری. ذبیح‌الله (۱۳۷۹). سیری در مرثیه‌عاشورایی. تهران: نشر عاشوراء، ص ۵۲.
- غنی. قاسم (۱۳۶۹). بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. تهران: توس، ص ۸۷.
- فاریابی. ظهیر (۱۳۶۶). دیوان اشعار. تهران: کاوه.
- فردوسی. حکیم ابوالقاسم (۱۳۹۱). شاهنامه. به تصحیح: سعید حمیدیان. بر اساس چاپ مسکو. تهران: مرکز.
- قاسم‌زاده. سید علی و دیگران (۱۳۹۳). بینامتنیت تلمیح در شعر شاعران دفاع مقدس. نشریه ادبیات پایداری.
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی با هنر کرمان. سال ششم. شماره یازدهم. صص ۳۳۳-۳۵۶.
- قزوه. علیرضا (۱۳۷۸). از نخلستان تا خیابان. چاپ پنجم. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- کاسیرر. ارنست (۱۳۶۰). فلسفه و فرهنگ. ترجمه: بزرگ ناردزاده. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۴۹.
- کاشانی. سپیده (۱۳۸۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات انجمن قلم.
- کاشانی. عزالدین محمود (۱۳۷۲). مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه. تصحیح: جلال‌الدین همایی. چاپ چهارم. تهران: نشر هما. ص ۴۱۷.
- کافی. غلامرضا (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، صص ۱۷۰-۱۷۲.
- لاهیجی. محمد بن یحیی (۱۳۸۱). شرح گلشن‌راز. (مفاتیح‌الاعجاز). ویراست: علیقلی محمودی بختیاری. تهران: علم، ص ۵۸۸.
- مردانی. نصر الله (۱۳۸۸). قانون عشق. تهران: صدرا.
- (۱۳۶۰). قیام نور. تهران: اندیشه و هنر اسلامی.
- (۱۳۶۴). خون‌نامه خاک (مجموعه شعر). تهران: کیهان.
- منوچهری دامغانی (۱۳۲۶). دیوان اشعار. بکوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: چاپخانه پاکتچی.

- مولانا. جلال‌الدین محمد (۱۳۷۱). مثنوی معنوی. به اهتمام: رینولد آلن نیکلسون. چاپ یازدهم. تهران: امیرکبیر.
..... (۱۳۸۵). کلیات دیوان شمس تبریزی. تهران: نگاه.
میرصادقی. جمال (۱۳۸۰). عناصر داستانی. تهران: سخن، ۵۴۳، ۵۴۴.
نامورمطلق. بهمن (۱۳۸۶ ب). ترامت‌نیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها. فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی
تهران: شماره ۵۶. صص ۸۳، ۹۸.
..... (۱۳۸۶). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه و کاربردها. تهران: انتشارات راست سخن، ص ۸۳.
نظامی. الیاس بن یوسف (۱۳۸۲). خمسه. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
هراتی. سلمان (۱۳۸۴). از آسمان سبز. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
یاحقی. محمدجعفر (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات داستانی. چاپ دوم. تهران: سروش. ص
۲۸۰.

معرفی نویسندگان

اسما رجائی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: asmarajayi.3100@gmail.com)

هوشمند اسفندیارپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.
(Email: esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir: نویسنده مسئول)

صدیقه علیپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(Email: Pooran_82@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Asma Rajae: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.
(Email: asmarajayi.3100@gmail.com)

Hooshmand Esfandiarpour: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.
(Email: esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir: Responsible author)

Sedigheh Alipour: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Shahid Bahonar Kerman, Kerman, Iran.
(Email: Pooran_82@yahoo.com)